

جغرافیای شهری پیشرفته

(جلد ۲: ساختارها و بویایی های درون و بین شهری)

محمود شورچه

www.ketab.ir



انتشارات پرهام نقش

۱۴۰۰

سرشناسه	: شورجه، محمود.
عنوان و نام پدیدآور	: جغرافیای شهری پیشرفته/ محمود شورجه.
مشخصات نشر	: تهران: پرهام نقش، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ج ۳.
شابک	: ج ۱: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۲۶-۹۰۶؛ ج ۲: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۲۶-۹۱۳؛ ج ۳: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۲۶-۹۲۰
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه
مندرجات	: ج ۱. مفاهیم، نظریه‌ها و زمینه‌های تاریخی؛ ج ۲. ساختارها و پویایی‌های درون و بین شهری؛ ج ۳. کاربردها و ابزارها
موضوع	: جغرافیای شهری
موضوع	: Urban geography
رده‌بندی کنگره	: GF۱۲۵
رده‌بندی دیویی	: ۳۰۷/۷۶
شماره کاتبشناسی ملی	: ۸۴۰۷۵۴۶

www.ketab.ir



انتشارات پرهام‌نقش

جغرافیای شهری پیشرفته (جلد ۲: ساختارها و پویایی‌های درون و بین شهری)

نویسنده: دکتر محمود شورجه

ناشر: پرهام‌نقش

شمارگان: ۳۰ نسخه

نوبت و تاریخ انتشار: اول، ۱۴۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۲۶-۹۱۳

قیمت: ۱۵۰۰۰۰ تومان

© کلیه حقوق چاپ و نشر این اثر برای ناشر محفوظ است.

مراکز پخش و فروش:

کتابفروشی پرهام، خیابان انقلاب، ابتدای خیابان ۱۲ فروردین، پلاک ۲۹۷، تلفن: ۶۶۴۶۸۲۳۵

انتشارات سیمای دانش: ۶۶۴۶۴۷۷۹

فهرست مطالب

۵

پیش‌گفتار

۱۸

فصل ۵: جغرافیاهای درون - شهری

مقدمه

۱۸

۲۱

مورفولوژی و چشم‌انداز شهری

۳۵

اکولوژی اجتماعی شهری

۵۲

۷۳

محیط رفتاری و نقشه‌های شناختی شهری

۸۹

حس و تعلق به مکان‌های شهری

۱۱۷

محلها و اجتماع‌های محلی در شهر

۱۳۴

اقتصاد سیاسی فضاهای شهری

۱۵۲

بازآفرینی و اعیانی‌سازی فضاهای درون - شهری

۱۷۰

حمل و نقل - جابجایی و ساختار فضایی شهری

۲۰۶

مسکن و فضاهای سکونتی در شهر

۲۲۲

طراحی فضاهای شهری

۲۳۶

جهانی‌شدن و فضاهای درون شهر

۲۶۳

فرهنگ و تکثرگرایی فرهنگی در فضاهای شهری

۲۸۵

محیط‌های طبیعی و پایداری فضاهای شهری

ارتباطات از راه دور و فضاهای مجازی شهری

۳۰۶

فصل ۶: جغرافیاهای بین - شهری

مقدمه

۳۰۶

۳۰۸

شهرها در فضاهای منطقه‌ای

۳۲۴

سیستم‌های شهری در فضاهای ملی

۳۵۰

اقتصاد سیاسی فضا و توسعه نابرابر شهری - منطقه‌ای

۳۷۰

عدم تعادل فضایی و مهاجرت‌های روستایی - شهری

۳۸۵

شهرک‌های جدید و گسترش فضایی حومه‌نشینی

۴۱۱

از شهری‌شدن تا ضد - شهری‌شدن و شهری‌شدن مجدد

«جغرافیای شهری پیشرفته صرفاً درباره این نیست که شهرها و بویایی‌های آنها چه جغرافیایی دارد، بلکه مهم‌تر از آن، درباره این است که جغرافیاها چگونه شهرها و بویایی‌های آنها را به‌وجود آورده و دگرگون می‌کند».

پیش‌گفتار

«شهرها» مهم‌ترین اختراع تمدن به‌شمار می‌روند؛ آنها پناهگاه‌هایی برای مدنیت؛ فضاهایی برای به‌رسمیت‌شناسی متقابل، آمیزش‌ها و مکان‌هایی برای گفتگو، تبادل آرا و اندیشه بوده‌اند. شهرها، پیش‌نویسان دستورکارهای اجتماعی، فرهنگی، تکنولوژیکی و اقتصادی و نیروهای پیشران اصلی در پس توسعه‌های گوناگون در سطح سیاره زمین بوده‌اند؛ آنها همواره باهم به رقابت یا همکاری پرداخته و از یکدیگر آموخته‌اند؛ آنها کنش‌های دموکراتیک، صنایع فرهنگی، همبستگی اجتماعی، میراث فرهنگی و طبیعی را تجربه کرده‌اند؛ آنها سازنده و تقویت‌کننده هویت‌ها و شیوه‌های نوآورانه تولید و رابطه بوده‌اند؛ آنها نیروهای محرکه قدرتمند برای خلق ثروت و میان‌برهای به‌سوی برخورداری‌های بیشتر بوده‌اند؛ آنها از طریق ایجاد ارتباطات، گره‌ها و جریان‌ها در طی زمان، به توانمندسازی بشر کمک کرده‌اند. اما به‌رغم چنین روندها و رویکردهای مثبتی، شهرها همواره کانون‌های ستیز، تنش، تعارض و تناقض نیز بوده‌اند؛ آنها از کانون‌های جغرافیایی بسیار متنوعی سر برآورده‌اند و در گذرگاه‌های تاریخی، فرم‌ها و فرایندهای بسیاری را به‌خود دیده‌اند؛ و تنش‌ها و تعارض‌های درون-بین آنها نیز پایانی نداشته و همواره از وضعی به وضعی دیگر دگرگونش یافته است.

به‌رغم بی‌پایانی همه تنش‌ها، تناقض‌ها و تعارض‌هایی که شهرها داشته و دارند، آنها افق ما در سده بیست و یکم محسوب می‌شوند. امروزه، شهرها در کانون بحث‌ها و جدل‌ها، بیم‌ها و امیدها، خوشی‌ها و ناخوشی‌ها، تکوین-ها و تحول‌ها و خبرهای خوب و بد ما قرار دارند. پس از دهه‌ها نگاه به شهرها به عنوان شر اصلی بشر، اکنون بشر به این نتیجه رسیده که او جز یک گونه‌ی شهری نیست و نخواهد بود. تکامل جمعیت‌شناختی سیاره زمین، شهر را در کانون کنش سده بیست و یکم قرار داده و انتظار می‌رود تا سال ۲۰۵۰ از هر ۱۰ نفر ۷ نفر در نواحی شهری زندگی کند و در سال‌های پیش رو، حدود ۹۰ درصد از رشد جمعیت جهان در نواحی شهری رخ خواهد داد.

از این روست که «شهرنشینی» و «شهری‌شدن»، یکی از پیشران‌های کلیدی دگرگونی در جوامع امروزی است؛ فرایندی که با خود، تحولات عمیق و سریعی را به همراه داشته است، به‌طوری که تقریباً در بیشتر موارد، دگرگونی‌های موجود در جوامع، معادل تحولات در شهرها فهمیده شده است. از آغاز پیدایش اولین شهرها پس از پایان دوره نوسنگی (از جمله شهرهای ایلامی، سومری، بابلی، آشوری، مصری، مادرشهرهای کلاسیک ایرانی، یونانی، رومی، پایتخت‌های چینی و هندی، و همچنین شهرک‌های آزتکی، مایایی و اینکایی) تا همین اواخر،

جمعیت شهری تنها درصد بسیار ناچیزی از کل جمعیت را تشکیل داده و حتی در میانه سده گذشته (بیستم)، آنهایی که در نواحی شهری زندگی می‌کردند، تنها حدود ۳۰ درصد از کل جمعیت موجود در کره زمین را تشکیل می‌دادند. با وجود این، موضوع جالب‌تر از فرایند شهری‌شدن در دهه‌های اخیر، رشد سریع و افزایش «وزن» جمعیت شهری بوده که البته ریشه‌های آن به دوره‌های پیش‌تر در تاریخ بازمی‌گردد. در طی ۱۵۰ سال گذشته، گذار جمعیتی، در نتیجه بهبودهای شهر-محور در بخش‌های کشاورزی، تجاری و سلامت و بهداشت، سبب کاهش بی-سابقه در میزان مرگ و میرها و بهبود قابل توجه در امید به زندگی می‌شود. پیشرفت‌های تکنولوژیکی، انباشت سرمایه و تغییر در روابط اجتماعی شهر-مبنا، به این معناست که تحولات در کشاورزی و تجارت خیلی‌زود با رشد بی‌سابقه در کارخانه‌داری و صنایع همراه می‌شود، که پس از برخی وقفه‌های اولیه، تمایل به تمرکز در مراکز شهری دارد.

پیشرفت‌های تکنولوژیکی، نوآوری در بخش کشاورزی و تولیدات صنعتی، تغییرات در ساختار اجتماعی و انقلاب‌های سیاسی که سبب تولد سرمایه‌داری مدرن می‌شود، پیوند بسیار نزدیکی با «فرایند شهری‌شدن معاصر» داشته است. این فرایند، نخست خود را به عنوان خیزشی بزرگ در جمعیت بسیاری از شهرهای موجود و شلوغی وسیع درون مرزها یا دیوارهای قدیمی شهرهای گذشته نشان می‌دهد. در این دوره نوگرایی است که دیوارهای قدیمی شهرها فروبرخته و کارایی گذشته خود را از دست می‌دهند. موانع فیزیکی اصلی که به عنوان عامل جداسازی شهرها از روستاها نقش‌آفرینی می‌کرد، ناپدید شده و شهری‌شدن شروع به گسترش به درون نواحی پیرامونی و شهرستانی خود کرده و شهر، به تعبیری، روستا را به زیر چیرگی و نفوذ خود می‌کشد.

گرچه فرایند شهری‌شدن، تقویتی قطعی را از طریق برقراری روابط تولید و جامعه سرمایه‌داری دریافت می‌کند، اما همزمان با همین دوره، گسترش تدریجی امپراتوری‌های استعماری مدرن در مابقی جهان تبدیل به بنیانی برای گسترش رشد شهری مدرن در سراسر جهان و در پی آن، شکل‌گیری یک سیستم شهری جهانی به شدت وابسته در دنیای امروزی می‌شود. این گونه تغییرات در سطوح جمعیت شهری و سیستم جهانی به شکل اجتناب-ناپذیری با تحولات عمیق در فرم فضایی شهرهای سنتی همراه بوده است؛ به طوری که امروزه، تصور شهری-شدن با انباشت‌های شهری بزرگ و مگالوپولیس‌ها بسیار همبسته شده است.

تمایل شهرها به تشکیل سیستم‌های به شدت متصل و وابسته در مقیاسی سیاره‌ای یا آنچه بدان «سیستم جهانی» گفته می‌شود، از جمله ویژگی‌های متمایز و متفاوت فرایند شهری‌شدن معاصر است. همچنین فرایند سریع و از هم گسیخته شهری‌شدن جهان، یکی از ویژگی‌های دیگری است که جوامع امروزی را از جوامع پیش از خود متمایز کرده است. نواحی شهری که تنها حدود ۵۰ درصد از کل جمعیت جهان را شامل می‌شود و کمتر از ۲ درصد از سطح کره زمین را اشغال کرده است، حدود ۸۰ درصد از خروجی اقتصادی را تولید می‌کند، ۶۰ تا ۸۰ درصد از

انرژی جهانی را مصرف می‌کند و حدود ۷۵ درصد از آلودگی‌های دی‌اکسید کربن را منتشر می‌سازد. اما شهرها به-رغم آنکه معرف بزرگ‌ترین چالش‌های جهانی هستند، کانون بزرگ‌ترین فرصت‌ها نیز به‌شمار می‌روند.

وجود چنین شرایطی، سبب شده که بسیاری از پژوهشگران، سرشت درونی شهرها را به سرشت بیرونی آنها پیوند زده و بر همبستگی بین شهری‌شدن و توسعه اقتصادی تأکید داشته باشند؛ آنها بر نقش شهرها به عنوان مراکز تولید کالاها و خدمات، گره‌های تجارت جهانی، نقاط اصلی نوآوری‌های علمی و تکنولوژیکی و کانون‌های اصلی برای مناطق پیرامونی خود توجه دارند. از نظر کیفیت زندگی، شرایط شهری معمولاً با دسترسی به فرصت‌های بیشتر و خدمات بهتر، سطوح بالاتر یاسوادی و آموزش، و پوشش بهتر بهداشت و درمان همبسته است. از این رو، شیوه زندگی شهری، به شکل طبیعی، به عنوان شیوه برآورده‌شدن نیازهای مادی پایه و دسترسی به دارایی و ثروت فردی و جمعی نگریسته می‌شود. یکی از شواهد عینی در ترویج چنین درکی، حرکت و جابجایی سالانه توده‌های عظیمی از جمعیت‌های روستایی (و حتی شهری کوچک) به سمت نواحی شهری بزرگ‌تر، به‌رغم همه دشواری‌ها، موانع و شرایط نامناسب آنها در فرایندهای جابجایی است.

از منظر جغرافیای شهری، با آنکه رشد شهرها سبب تولید ثروت، تقویت ارتباطات بیشتر و فراهم‌کننده کیفیت زندگی برای بخش قابل‌توجهی از جمعیت جهانی بوده است، اما چنین بهبودهایی به یکسان برای کل جمعیت قابل دسترسی نبوده است؛ به طوری که امروزه، ۴۰۰/۱ میلیون نفر در شهرهای فاقد دسترسی به آب آشامیدنی زندگی می‌کنند، ۲/۷۰۰ میلیون نفر فاقد خدمات بهداشتی پایه هستند و ۳۳ درصد از ساکنین شهرها همچنان در محیط‌های شهری زیر استاندارد و پرمخاطره نظیر محله‌های فقیرنشین و غیررسمی به‌سر می‌برند. جنبه تراژیک ماجرا آنجاست که چنین شرایطی همچنان رو به افزایش است.

درک روندهای شهری‌شدن و رویکردهای مختلفی که برای تحلیل آنها توسط پژوهشگران مختلف به‌خدمت گرفته شده است، نه تنها بیان‌گر روشنگری در مسائل و مشکلات هم‌زاد رویداد شهری‌شدن، بلکه همچنین تحول در نوع درک ما از خود پدیده شهر و شهری است. بر این اساس، مفهوم‌پردازی‌ها و نظریه‌پردازی‌های شهری به امری بی‌نهایت پیچیده تبدیل شده است. از جمله دلایل این پیچیدگی، ارتباط بسیار زیاد پدیده شهری‌شدن با دیگر شرایط زیستی بشر است. به بیان دیگر، رویداد شهری‌شدن نمی‌تواند مورد تحلیل قرار گرفته یا درک شود مگر آنکه همراه و همبسته با سه فرایند تحول اساسی و ضروری در جوامع امروزی، یعنی، رشد جمعیت، مصرف منابع و جهانی‌شدن مورد ملاحظه قرار بگیرد.

شهری‌شدن، هم علت و هم معلول، هم نیروی محرکه و هم برآیند رشد جمعیت، مصرف منابع و جهانی‌شدن است. از همین رو، آنچه امروزه در نظرگاه و ادبیات جغرافیای شهری، بیشتر در کانون توجه قرار گرفته است، نگاه به شهری‌شدن نه صرفاً به عنوان برآیندی نمودیافته از دیگر عوامل (جدا از پدیده شهر)، بلکه به طور هم‌زمان

به عنوان «زمینه علی»، «فرایند تحول» و «برآیندی» در حال شدن یا بر ساخت دائم است؛ این پویایی به جدایی‌ناپذیری درهم‌تنیده و درهم‌پیوند و از آن نوعی است که تحول جهانی در جوامع امروزی را رقم می‌زند. به دلیل وجود چنین پیچیدگی‌هایی، نباید تعجب کرد از اینکه مفهوم «شهری‌شدن» بسیار محل بحث و مناقشه باشد و بینش‌های متنوعی توسط پژوهشگران متفاوت در رشته‌های مختلف درباره آن مطرح شود. برخی، شهری‌شدن اساساً به عنوان فرایندی از رشد جمعیت در «مرزهای اداری» مطرح است؛ برخی بر اساس تغییرات در «کاربری زمین» و از منظر مورفولوژی شهری بدان نگاه می‌کنند؛ برخی بر معیارهای کارکردی طریق مطالعه شبکه‌ها و روابطی که توسط مردم در جابجایی‌های روزمره صورت می‌گیرد تأکید دارند؛ و برخی دیگر نیز ساختار اقتصادی، سطوح درآمدی و شیوه‌های زندگی را مبنا قرار می‌دهند. این گونه تعاریف که به کلی مبتنی بر انگاشت تمایز بین نواحی شهری و روستایی است، گرچه ممکن است همچنان برای برخی از نواحی و مناطق تازه صنعتی‌شده قابل کاربرد باشد، اما روشن است که در کشورهایی که مراحل پیشرفته‌تری از شهری‌شدن را پشت‌سر گذاشته‌اند و تفاوت‌های معناداری بین مناطق شهری و روستایی قابل مشاهده نیست، کاربرد چندانی نخواهد داشت. برای نمونه، امروزه بسیاری از کشاورزان اروپایی در نواحی روستایی، از همان نوع خدمات درآمد سرانه و شیوه‌های زندگی برخوردارند که در نواحی شهری وجود دارد.

از این روست که می‌بینیم همه رویدادها (از جمله، اداری، مورفولوژیکی، کارکردی، اقتصادی و شیوه زندگی به تعریف شهر و شهری‌شدن، دارای استفاده‌های خاص خودشان هستند، اما هیچ یک از آنها نمی‌تواند انگاره تعریفی علمی به دور از ابهام از آنچه می‌توان «شهریت» نامید ارائه دهد. این امر سبب رشد اجماع بر سر نیاز به تغییر در مفاهیم رایج در زمینه پدیده شهر و رویداد شهری‌شدن شده است. از جمله این تغییرات، رها کردن نگاه به شهری‌شدن به عنوان یک «فرم»، و در مقابل، تمرکز بر شهری‌شدن به عنوان یک «فرایند» بوده است. برای نمونه، از نظر هاروی، بحث بر سر تعریف شهر، عملی بیهوده و بی‌نتیجه است و می‌بایست بر فرایند شهری‌شدن تمرکز شود.

از نگاه هاروی، مهم است که شهریت را مجدداً مفهوم‌پردازی کرد؛ اما نه به عنوان موجودیت‌هایی شبه‌طبیعی با نام شهرها، حومه‌ها، مناطق روستایی یا هر چیز دیگری، بلکه به عنوان بُره‌های برساختی در مطالعه فرایندهای اجتماعی که در حال تولید و بازتولید امر فضایی - زمانی از نوع اساساً جدید و متفاوتی است. از این رو، فرایند شهری‌شدن را باید نه بر حسب برخی موجودیت‌های اجتماعی - سازمانی به نام «شهر» (موضوعی نظری که ممکن است برخی جغرافیدانان، انسان‌شناسان، جمعیت‌شناسان، جامعه‌شناسان یا برنامه‌ریزان و طراحان شهر پیش‌فرض بگیرند)، بلکه به عنوان تولید فرم‌های فضایی - زمانی خاص و کاملاً ناهمگن که انواع متفاوتی از کنش اجتماعی را در خود جای داده است، درک کرد.